

قیام امام ایران

زیر نظر شورای نویسندگان

حقیقی مکان

درخت اعدام!

مجازات اعدام مبارزه می‌کشد و متأسفانه بیست سال قبل از آن که قانون الفای مجازات اعدام در فرانسه تصویب شود اودرادنا توموبیل کشته شد و اجل مهلتش نداد تا تحقق آرزوی خود را مشاهده کند. در حال، رساله کامو با ظریبی از دوران اقامت خانوادگی در الجزایر آغاز می‌شود.

می‌نویسد: "اندکی قبل از جنگ ۱۹۱۴ یک آدمکش که جنایت همیشه جا مع را برانداخته بود اعدام محکوم شد. او یک کارگر مزرعه بود که خانوادگی را در کمال قسوت قتل عام کرده بود. مردم هکی عقیده داشتند اعدام کمترین مجازاتی است که می‌توان در حق این جانی سنگدل بکار بست. پدر من نیز همین طور فکری کرده و بخصوص، کشتار ربه‌ها او را چنان منقلب کرده بود که برای اولین بار تصمیم گرفت در مراسم اعدام شرکت کند. روز موعود، با مدادان خود را به محل اجرای مراسم رسانید. جنایتکار را در حضور جمعیتی انبوه گردن زدند.

بقیه در صفحه ۱۲

"آلبرکامو" نویسنده شهیر فرانسه، رساله‌یی نوشته است با عنوان "تفکر درباره مجازات اعدام".

"کامو" از متفکرانی بود که برای الفاء

غرب و تروریسم ایت الله

به دعوت نهضت مقاومت ملی ایران شاخه انگلستان، سفارت با تشکیل کنفرانس سالانه حزب محافظه کار یک جلسه اختصاصی با شرکت عده‌ای از نمایندگان آن حزب و گروهی از اعضای نهضت مقاومت ملی ایران روز هشتم اکتبر در شهر "بورنموت" تشکیل گردید.

ریاست جلسه را آقای تمیل موریس، نماینده حزب محافظه کار در مجلس عوام انگلستان به عهده داشت. نامبرده ضمن بیان ناخوشایندی که گفت: "سالهاست که من به عنوان یک دوست ایران با مسائل ایران آشنا هستم و از فعالیت‌های نهضت مقاومت ملی ایران آگاهم. فقدان آزادی و اعمال شکنجه و کشتارهای بی‌رویه در رژیم فعلی همچنان ادا هدا رد و جمهوری اسلامی با همکاری لیبی و سوریه مرکز تروریسم بین‌المللی بشمار می‌رود.

وی سپس به موضوع صدور اسلحه به ایران پرداخت و گفت: "اکنون کاملاً مشهود گردیده است که خانه شماره ۴۳ در خیابان ویکتوریا مرکز فعالیت و صدور اسلحه‌های مختلف به ایران است که طبق اخبار منتشره قسمتی از آن از انگلستان و بقیه از کشورهای غربی دیگر صورت

بقیه در صفحه ۱۱

هادی یزاد

یک مسابقه اعلام نشده

فوق العاده استثنائی مانند هر ارثی از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود و خلاصه در عمل، انتخاب عالمانه‌ای در کار نیست... این کردارها و گفتارها برداشته‌های منولیان روحانی و طبیعتاً با زتاب و شور آنها بر تنیده‌های مقلسد است که معیار رفتار و قرائت می‌گیرد. برای مثال، جدا از شاخه‌ها و ورشته‌های متنوع دیانت اسلام آنچه را که امروز خمینی با ست "امام شیعیان" در زمینه‌های فقه‌های و احکام قرآنی و حتی شیوه‌های رفتاری و "مذهب سیاسی" تبلیغ می‌کند، بنام کل "مکتب اسلام" رقم می‌خورد و آن چه را که پاپ پیشوای "کاتولیک‌های جهان" تعلیم می‌دهد، در کارنامه‌های مسیحیت منعکس می‌شود.

بقیه در صفحه ۲

حوادث سیاسی و تشنجات بین‌المللی و مخصوصاً "اوج کشتار و خشونت مسوا ناخواه، پای دوتا خدا زنیرومندترین ادیان جهان (مسیحیت و اسلام) را، به میدان مسابقه‌ای اعلام نشده گذاشته است. گوا بکنگه گروهی از مؤمنان مسیحیت و ما حبان فنوا و مجتهدین در دنیای اسلامی ادعا می‌کنند "ارزش‌ناکی" که امروز همراه با نفعی هرگونه مسدا را و اصل (لا اکره فی الدین) وزیر عنوان ما به و کارنامه‌ای اسلام معرفی می‌شود، عاریت و مجبول و مغنا برتدا لیم قرآن است ولی از آن جا که: کنگار در فلسفه و تاریخ و حتی اصول مذهب، غالباً "از حوزه‌ی توجه‌نوده‌های مردم بیرون است و بدین ترتیب هر مذهب مفروض (البته پس از گذشت دوره‌های ظهور و باگیری) - به جز مسوا -

قطعه‌نامه هفتم

است که خمینی می‌خواهد جنگ را، به هر قیمتی که شده، ببرد، و تلاش بی‌حاصل دوم این است که مراجع کوناگون بین‌المللی می‌خواهند میانجی‌گری کنند بلکه این جنگ از راه مذاکره پایان نپذیرد. در واقع بی‌حاصل بودن تلاش دوم، یعنی میانجی‌گری، نتیجه همان تلاش بی‌حاصل اول، یعنی ساخت خمینی در ادامه جنگ، به هر قیمت است. شورای امنیت سازمان ملل متحد پس از چهار روز مذاکره رای برای داد که جنگ خلیج فارس یکی از بزرگترین جنگ‌های نیمه دوم قرن بیستم، باید هر چه زودتر پایان گیرد، و طرف بیست مرزهای بین‌المللی بازگردند و مذاکرات برای دستیابی به صلح آغاز شود. نماینده جمهوری اسلامی "املا" در مذاکرات چهار روزه شورای امنیت حضور نیافت. به عبارت دیگر نتیجه مذاکرات را، پیش از آن که اعلام شود رد کرد.

بقیه در صفحه ۳

در منطقه خلیج فارس، شن سالنی است که دولتانی بی‌حاصل در کنار یکدیگر ادامه دارد؛ تلاشی بی‌حاصل نخست این

اجلاس شورای

نهضت مقاومت ملی ایران

اجلاس عادی شورای نهضت مقاومت ملی ایران ساعت ده روز ۱۹ مهر سال ۱۳۶۵ برابر با ۱۱ اکتبر ۱۹۸۶، در حضور دکتر شایسته و رهبر نهضت، تشکیل شد. در آغاز جلسه گزارشی از فعالیت‌های بین‌المللی نهضت به اطلاع اعضای شورا رسید و سپس مسائل سیاسی روز و مسئله ادا مدجنگ مورد بررسی قرار گرفت. آنگاه مسئولان واحدهای اجرایی، گزارش فعالیت‌های خود را به شورا دادند و از طرف رهبر نهضت برگزیده فعالیت‌های نهضت، بخصوص در داخل کشور، تکیه شد. جلسه تا ساعت بیست و یک دقیقه ادامه یافت.

انهدام تاسیسات نفتی کرکوک؟

به گزارش خبرنگاری‌ها، بنیاد دشنیدت (۱۱ اکتبر) انهدام تاسیسات نفتی کرکوک را به دست نیروهای جهادی اسلامی تکذیب کرد. لطیف نجیب‌آل‌چام، وزیر اطلاعات عراق در گفت‌وگویی با خبرنگاری رسمی عراق اظهار داشت که تاسیسات نفتی کرکوک در کرکوک اندک آسیبی ندیده‌اند و نیروهای جمهوری اسلامی هرگز قصد ویرانه گیلومتر در خاک عراق نفوذ نکرده‌اند و بنا بر این، نتوانسته‌اند تاسیسات نفتی کرکوک را تخریب کنند.

بقیه در صفحه ۷

مهران طبری

جبهه‌های اعتبار

با زداشت نمی‌شوند میزان مواد مخدری که کشف نمی‌گردد، بسیار آزار مساری است که پلیس منتشر کرده است. نامنه هولناک اعتبار در از همین جا می‌توان دریافت. اما پلیس را به هیچ روی نمی‌توان سرزنش کرد. با زداشت تبهکاران و کشف مواد مخدر در واقع یک بیکار اداری علیه این بلیه بزرگ اجتماعی بشمار می‌آید. حال آنکه برای مصیبت اجتماعی با بدرا محل اجتماعی پیدا کرد. راه حل اداری فقط می‌تواند یک عامل کلکی باشد.

بقیه در صفحه ۱۰

پلیس ایران اعلام کرده است که در شش ماه گذشته ۱۷۰۰۰ قاچاقچی با زداشت شده‌اند و ۱۴ تن مواد مخدر کشف گردیده است. این برای پلیس دستاورد مهمی است. با این همه تعداد افراد با زداشت شده و مقدار مواد مخدر کشف شده نمی‌تواند نگران کننده نباشد. زیرا همه قرائن حکایت از آن دارد که ۱۴ هزار کیلوگرم ماده مخدری که کشف گردیده است، فقط نوک کوه یخی است که در اقیانوس شناور است. به اصطلاح خودمان سرگنده زیرلحا فاست. شما رقا قاچاقچیانسی که

اطلاعیه هیئت اجرایی نهضت مقاومت ملی ایران

بدینوسیله به اطلاع هموطنان ارجمند میرساند: هر مطلبی مربوط به نهضت مقاومت ملی در روزنامه‌ها، رادیوها و تلویزیون‌های فارسی زبان خارج از کشور منتشر و یا سخن‌گردد که مریخا از جانب آقای دکنرنا بویختار رهبر نهضت با هیئت اجرایی نهضت اظهار نشده باشد، ارتباطی با نهضت مقاومت ملی ایران ندارد.

ایران هرگز نخواهد مرد هیئت اجرایی نهضت مقاومت ملی ایران

دی ولت:

بختیار رهبر و امید بخش

در صفحه ۵

داستانی از شاهنامه

یازده رخ یادوازده رخ؟

در صفحه ۶

قطعه‌نامه هفتم

نصحا از صححه

این برای نخستین بار نسبت به شورای امنیت سازمان ملل متحد رای به بیان جنگ می‌دهد، همچنان که سه برای محسنی با رئیس‌جمهوری اسلامی به رای اسی موافق جهانی که خود عضو آن است کردن نمی‌تند.

جمهوری اسلامی هنوز تکلیف خود را با سازمان ملل متحد روشن نکرده است؛ از یک سو آن را مرجعی می‌نامد که آلت بی‌اراده دست‌اندرت‌هاست، از سوی دیگر خود در آن یک نماینده دائمی دارد و حتی یک بار از زبان آن آقای فخرالدین حجازی نماینده مجلس شورای اسلامی از کشورهای عضو استه است که مترا بین سازمان را از نیویورک به چهاران منتقل کنند!

چنین می‌نماید که جمهوری اسلامی و سازمان ملل متحد هیچ کدام یکدیگر را به اندازه کافی جدی نمی‌گیرند. ولی جمهوری اسلامی به توصیه‌های آن سازمان‌هایی که آن را احادی نگر می‌گردند مانند کنفرانس غیرمنعده‌ها یا کنفرانس اسلامی بی‌اعتنای جنابان نکرده است.

آنتالده همینی فقط آن تصمیم‌هایی را قبول دارد که با خواست‌های حاکمین مطابقت داشته‌اند. او بر آن ندارد که به تصمیم‌هایی که مرجع بین‌المللی گردن گذارد، می‌خواهد مراجع بین‌المللی تصمیم‌های او را نپذیرد.

سازمان ملل متحد، نه کنفرانس اسلامی، نه سازمان کشورهای غیر منبند، نه یک کمیسیون ویژه مرکب از نمایندگان چند کشور بیطرف، نه س‌کدام مرجع بین‌المللی باید در باره جنگ و ادعاهای دوطرف حکمیت کند؟ مسئله یک میلیون کشته و معلول، دو بیست تا سیصد میلیون دلار خسارت در میان است. این جز در یک حکمیت بین‌المللی قابل رسیدگی نیست. و سازمان ملل متحد در این رهگذر بهترین است. ولی در حالی که صلح، دوطرف می‌خواهد، برای جنگ فقط یک طرف کافی است، و درست به همین دلیل است که جنگ وارد هفتمین سال خود شده است و نشانه‌های به چشم نمی‌خورد که هیچ قدرت خارجی، بیش از آن که تاکنون مایه گذاشته‌است، برای پایان دادن به جنگ مایه بگذارد.

سیاستمداران ایالات متحده در دره‌های گوناگون گفته‌اند و تکرار کرده‌اند که در صورت گسترش یافتن جنگ به کشورهای دیگر، آن را "تهدیدی بزرگ" علیه منافع آمریکا تلقی خواهند کرد. این آیا بطور ضمنی بدان معنی است که جنگ اگر گسترش نیابد، منافع آمریکا در خطر نخواهد بود؟ به هر حال چنین اظهار نظرهایی دارای دود و هدف عمده است: کشورهای عربی حوزه خلیج فارس دلسرد نتوانند زابتند آمریکا در پایان دادن به

سرشماری مصائب و فقر

رژیم تهرانی نخستین سرشماری خود را آغاز کرده است، آخرین سرشماری که در ایران صورت گرفت، به سال ۱۳۵۵ بازمی‌گردد. از آن روز تا کنون نه تنها رژیم عوض شده، بلکه همه داده‌های کشور تغییر کرده است. یک تنبیر مهم، جایجا شدن بی‌سابقه جمعیت از روستاها به شهرها، از شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ، و از شهرهای بزرگ به پایتخت است. در حالی که نفس شهرها، به ویژه تهران، زیر فشار جمعیت به شماره افتاده است، روستاها از جمعیت فعال خالی گردیده‌اند.

چنین وضعی در دوره گذشته نیز وجود آمد و حرکت از روستاها به سوی شهرها سرگرفت و جمعیت شهرها مخصوصاً تهران به نحو رسا با روستا فزایش گذاشت ولی در این دوره بحران به مرحله انفجار رسیده است. بیامد این جایجایی جمعیت، برای شهر و روستا هر دو وحشتناک است. آنسان که روستاها را ترک می‌کنند، از گروههای سنی بالاتر یا با تین تر نیستند، جوانانی هستند که کشتی‌ها و رزی زمین خورده، کم‌و کثرت جذب آن‌ها را ندارد. به ناچار به شهرها می‌آیند و میدانکه کاری پیدا کنند، یعنی جذب صنعت میا خدمات شوند. اما صنایع نیز خوابیده است، و اگر هم چنین نبود، جوانان از روستا گریخته جز در پائین ترین رده فعالیت با ختمانی، جائسی برای فعالیت ندارند. زیرا در ردیف کارگران ماهر با نیمه‌ماهر نیز قرار ندارند.

جنگ نقش فعالی در ایران ایفا نمی‌کند، و دیگر اینکه جمهوری اسلامی حد خود را تشخیص دهد و در ارتباط با گسترش جنگ، از تهدیدها بترسود.

با این همه اعراب حق دارند نگران باشند. زیرا آتش جنگ در همسایگی آن‌ها روشن است و حرارت تهدید کننده آن را از دلگرمی‌های دیگر باور پذیرتر می‌دانند. آنان حق دارند به این امر نیز پیوسته دیده بدبینی بنگرند که جمهوری اسلامی هدف‌های جنگی خود را تعدیل کرده است و فقط به کودتای در عراق خرسندی می‌نماید، می‌دانند که این یک مانور تاکتیکی بیش نیست.

با این همه باید دید و سنجید چرا جمهوری اسلامی به این مانور یا تغییر تاکتیک دست زده است. انتخاب تاکتیک تازه هرگز از روی هوا و هوس نیست، بلکه با موقعیت رژیم ارتباطی نزدیک دارد. اگر جمهوری اسلامی تاکنون چیزی کمتر از یک حکومت ولایت فقیه در عراق نمی‌خواست، به این دلیل بود که هنوز نمی‌دانست تا توان ترازان است که بتواند به این هدف دست یابد، و حالا که تغییر تاکتیک داده و فقط برکناری مدام حسین را می‌خواهد، از آن روست که به‌نا توانی خودپی برده است.

کمتر از صنعت، بخش خدمات به آن‌ها نیاز دارد، زیرا معمولاً زحداقل سواد که لازمه فعالیت در بخش خدمات است، برخوردار نیستند. پس از روی ناچار به آن‌ها روی می‌آورند که در اصطلاح اقتصادی آن را "بیکاری بنه‌مان" می‌خوانند. و بدتر از این به نام تبیکاری می‌افزایند که مثل خوره به جان جامعه افتاده است.

تغییر مهم دیگر افزایش هولناک بیکاری است. بیکاری که در رژیم گذشته ۷ درصد جمعیت فعال کشور را در بر می‌گرفت، امروز به ۴۰ درصد رسیده است. بر حسب آماری که خود رژیم منتشر کرده است، هم‌اکنون در ایران ۴ میلیون بیکار وجود دارد. و از همه نشان‌ها چنین برمی‌آید که این رقم ماه به ماه افزایش خواهد یافت. زیرا کارخانه‌ها و کارگاه‌ها در اثر نبودن ارز با مواد خام اولیه مدام بسته می‌شوند و فعالیت با ختمانی دچار رکود گردیده است.

تغییر دیگر کاهش درآمد جوانان در جمعیت است، مدها هزار جوان در جنگ کشته شده‌اند. به همین مقدار معلول و از کار افتاده وجود دارد. پیاپی مددیگر جنگ، شمار میلیونی آوارگانی است که از زادبوم خود ریشه‌کن شده‌اند و بدشواری می‌توانند در محیطی نامناسب بمانند و بدوای زندگی آنان، چشماز حیث روحی و جهل از حیث جسمی، در اردوگاهها چنان است که انسان را بی‌اختیار به

اگر جمهوری اسلامی تاکنون می‌گفت خود را برای یک جنگ بیست ساله آماده کرده است ولی اکنون همه نیروهای خود را متمرکز کرده است که سر نوشت جنگ را همین امسال معین کند، بدان سبب است که می‌داند دیگر نمی‌تواند جنگ را ادامه دهد.

جمهوری اسلامی در موضع ضعف است. اگر امکان ملحق با آن وجود داشته باشد، باید از همین موضع ضعف استفاده شود. به عبارت دیگر صلح با ایران و تحمیل برده، سهمی که خود ملت ایران باید در این کار بپذیرد، سنگین تر است. نباید چشم براه آن بود که دیگران بیایند و مسائل ما را حل کنند.

هفت کشور عرب درخواست برگذاری اجلاس شورای امنیت سازمان ملل متحد را کردند. این شورا ۴ روز در باره جنگ بحث کرد. یا نژده عضو آن به اتفاق رای دادند که جنگ باید هر چه زودتر پایان گیرد. نماینده جمهوری اسلامی از این جلسات غایب بود. این یعنی که خمینی صدای صلح را در خارج چندان جدی نمی‌گیرد، ولی اگر این صدا از داخل برخیزد و بلندتر شود، رژیم نمی‌تواند بدان بی‌اعتنا بماند.

با سر نوشت اسیران در اردوگاه‌های آلمان نازی می‌اندازد. تغییر دیگر، کنار گذاشته شدن زنان از حیظه فعالیت شغلی است. پیش از جنگ در صد زن نیروی فعال کشور بیکار است، و بخش بزرگ این رقم را زنان تشکیل می‌دهند.

میرحسین موسوی در بیام خود بیام نسبت برگذاری نخستین سرشماری جمهوری اسلامی از جمله می‌گوید که این سرشماری برای مشارکت مردم در تعیین سر نوشت خویش، رفع تبعیضات ناروا، بوجود آوردن امکانات عادلانه، ایجاد نظام اداری صحیح، پی‌ریزی اقتصاد عادلانه بر جیدن محرومیت و غیره انجام می‌پذیرد. به آقای میرحسین موسوی فقط گوش زده می‌کنیم که این امکانات، پیش از سرشماری در ایران امروز وجود نداشت و پس از سرشماری نیز وجود نخواهد داشت. تا کامی دولت در ایجاد اشتغال، در توزیع درست و عادلانه ثروت، در افزایش تولید، در ایجاد یک نظام اداری درست بدین دلیل نیست که سرشماری تازه‌ای اگر بهترین و گارانتی‌ترین اطلاعات آماری را هم در اختیار این دولت نالایق گذاشته‌گو قرار دهند، نتیجه به هیچ روی بهتر از آنچه تاکنون دیده‌ایم، نخواهد بود. بهترین وسائل جراحی دردست‌های ناشی یک نااهل، نه تنها باعث شفای بیمار نخواهد شد، بلکه حال او را بدتر نیز خواهد کرد.

با سرشماری یا بدون سرشماری - رژیم در هر حال در اداره کشور فرو مانده است. وانگهی در حالت کنونی به نتایج این سرشماری احاطه نمی‌توان اعتماد کرد. زیرا همان طوری که خود میرحسین موسوی در یافته است در هر سرشماری نقش اصلی را اعتماد مردم ایفا می‌کند، و این مردم هستند که با اطلاعات مورد نیاز از

موران را به آن‌ها بدهند. این‌ها موران شخما " هر که می‌خواهند باشند، ولی چون از طرف رژیم به جمع‌آوری اطلاعات گمارده شده‌اند، از اعتماد مردم برخوردار نیستند. سرشماری اگر چه در هر بیام به ریزی اقتصادی و اجتماعی عامل بسیار مهمی است، ولی می‌تواند مورد استفاده دستگاه‌های جاسوسی رژیم نیز قرار گیرد. سرشماری جمهوری اسلامی، پیشاپیش محکوم به بطلان است.



بزرگداشت

روز جمعه ۱۷ اکتبر نهضت مقاومت ملی ایران شامه‌مین، برای بزرگداشت آئین مهرگان، مراسمی تدارک دیده است. از همه علاقمندان مقیم آنریش دعوت می‌شود که در این گردهمایی شرکت کنند. محل اجرای مراسم:

haus der Begegnung
Gatterburgg. 2a
Wien 14

تیر خشک

وکمپانیهای اسلحه سازی!

آقای دکتر محمد رضا حسابی رئیس انجمن تیر خشک علوم معدنه و صاحب ایران طی مصاحبه ای که در روزنامه مکیبها ن تهران بگشود...

چنان سومی گردید. در نوشتاری دیگر، با زحم روز مجاهر آنکه نا توانی خود را به مناسبت مکتوب مالی و ارزی درجهت کسروا ردات شیر...

چال ایجا ست که مسئولین رژیم برای فاداری که در تنگدستی و گرفتاری روزمره خود سرتن و حال وا حوال...

ابا بندها که با بلند شدن سرو صدای تا دران که از حقه های دولت با خبرند و سه درستی نهایی بهانه ها آتش افروزند...

عاجز دیده و حتی در تهران و دیگر شهرها نایح ندکه مادی بی اضرار جمع به بسیاری از دا روخا بندها و شایستن شیر...

مأموران پرخرج

در سال ۱۹۸۵، اسقف هیلاریون کا سوچی معروف، برای جمهوری اسلامی و به خرج جمهوری اسلامی به ما موریتی به سوئی...

اما دیگر مدتها ست که حسابها را ن وزارتخانه های جمهوری اسلامی از دیدن صورت حساب های سنگین حیرت زده...

نویسنده نامه، که به دلایل درخور فهم نمی خواهد حداسن فاش گردد، می نویسد: " در اردی بهشت ماه ... "

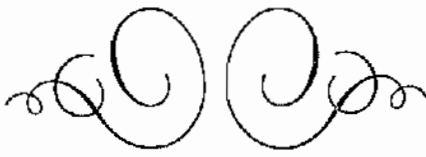
نویسنده نامه سپس چنین ادا می دهد: " به منظور ادا مفا کرات، هیا ت صابینی از طرف شرکت ملی فولاد ایران که خود ا بنا نت نیز عضو کوچکی از آن...

سیستان و بلوچستان می نمایند ضمن معاصی های با روزنامه مکیبها ن برده از این نگردهای حق بجانب برداشته و...

خرید روزانه یک یا کت نیم لیتری شیر با بدنه های از شرکت دریافت کرد تا...

بودم، در ۲۵ مرداد راهی همان کشور شد. منتها نه مستقیم و نه با قطار، بلکه با صرف هزینه ارزی هنگفت از طریق ژنو و اقامتی ۷۲ ساعته در فرانکفورت...

پس از این شرح ماجرا و اندرز معلوم می شود که این همه ریخت و پاش در جمهوری اسلامی، استثنا نیست، قاعده است. زیرا در دنیا له نامه می خوانیم: " این نوع مسافرت ها به خارج از کشور...



مصرف شیر را برای بیماران کودکان تجویز کرده یا شویبا سیرزنان با بدیا مرا جمه به کمیته محل مجوزی برای دریافت...

The Economist Intelligence Unit, Iran Annual Supplement 1982 تولید تیرا در نظر گرفتن افزایش قیمت به کمتر از ۱/۷ میلیون تن رسیده است...

قاچاق تجهیزات نظامی

به گزارش خبرنگاری فرانسه، یک ایرانی ۲۷ ساله بنام حسن کنگرلو، به جرم قاچاق تجهیزات نظامی ساخت آمریکا به جمهوری اسلامی، روز دوشنبه ۶ اکتبر در دادگاه...

وی از سال ۱۹۸۵ مقیم آمریکا بود. جفری مودیس، دادستان فدرال آمریکا اعلام کرده که حسن کنگرلو دو محصوله وسایل مخابراتی نظامی به ارزش صد هزار دلار به ایران فرستاده است...

سه گزارش خبرنگاری فرانسه سازمان امنیت داخلی آمریکا اف بی آی و گمرکات آن کشور تا بلال ۳۲ ما جر ای قاچاق اسلحه و تجهیزات نظامی را به جمهوری اسلامی کشف کرده اند که بای ۱۲۵ شخص حقیقی و با حقوقی به میان کشیده شده است.

خبرگزاری فرانسه یادآوری می کند که ایالات متحده آمریکا مدورا اسلحه به جمهوری اسلامی را تحریم کرده است و سایر کشورها نیز خواسته به منظور بیان دادن به جنگ جمهوری اسلامی و عراق و رویه های مشابه در پیش گیرند.

خبرگزاری فرانسه - ۸ اکتبر ۸۶

شورش بنزین

بدنبال اعلام جیره بندی بنزین، دومس بنزین توسط مردم به آتش کشیده شد. به گزارش عنا صرمی، جیره بندی بنزین در تهران و شهرستان ها صف های طولانی در مقابل جایگاه های توزیع بنزین پدید آورده است. از سوی دیگر بین موضوع تهرانی ها را وادار به استفاده از سوخت نقلیه عمومی کرده است...



روزنامه دیلی تلگراف چاپ لندن، به نقل از ساکنان شهر قم گزارش می دهد که جمعه گذشته ۳ اکتبر یک زن ایرانی به رای دادگاه شرع در بستر رودخانه خشک قم به فجیع ترین وضعی سگسار شده. این زن دو سال پیش به اتهام داشتن روابط نامشروع و مهدستی در قتل شوهرش دستگیر و زندانی شده بود.



دی ولت:

بختیار رهبر و امید بخش

بارس - سورخن کی مسکی

دعا کردن در میان انقلابیان ایران بیشترین محبوبیت را دارد: "خدا یا، تا انقلاب مهدی، خمینی را نکندار". زیرا ما در آن که خمینی زنده است، انقلابیان با لایحه کمترین گناهند. اما ایران نیان میا جریه سخره می گویند که مالاها در برخی مسجد ها گامی فراتر نهد می گویند: "مهدی سنا، مهدی سنا".

تا سوربختیار، رهبر و امید بخش ابویسیون ایران، اعتنائی به این گزارشی ها ندارد. برای او آیت الله شخی بردار نیست، وی را "مسوخیمینی" می نامد. اما سر آوردن او از رژیم روشن است. در آن نگاه محافظت شده است در "سورن" حومه بارس به ما می گوید:

"این رژیم برترورسکی است. اصل کمونیست، آقای خمینی می ندارد که حق دار عقیده اس را به جهان تحمیل کند. انتگریم سعی، همان که او جنگوی آن است، به وسیله تا بردباری مطلق مشخص می گردد. حال آنکه بردباری نخستین تقوای انسان متمدن است."

بختیار با بخشی از روحانیت ایران تماس دارد، می گوید: "هغه آن ها مانند آقای خمینی می اندیشد. بسیاری شان جسم براه با یان ریومی هستند که آن را با تعالیم سیا میرا زگاری نمی دانند."

بختیار خود را لایق است، ولی دین را محترم می شمارد. دین (برای او) به قلمرو خصوصی انسان تعلق دارد:

"از این روین خواهان جدائی دین و دولت هستم."

بختیار می گوید بخش اعظم مالاها دریا فته ندکه رژیم به پسا یان راه نزدیک می شود، زمان تغییر جهت فرا رسیده است. نیز می بینند که:

مدور ترور هم سرانجام برای کشور فایده ای ندارد.

غرب نیز تنها به دریا راه ما هیت و عمل رژیم دچار توهم شود. اگرچه ترور پیش از انقلاب نیز در ایران وجود داشت، ولی به عقیده این سیاستمداری که در این اشنا درباری لندن و واشنگتن به عنوان آلترنا تیو شنا خته شده است، ترور هرگز چنین مطلق ودا رای انگیزه دینی و حنین گسترده نبود.

بختیار می گوید:

"امروز تهران مرکز تروریم بین المللی است."

این سوپا ل دمکرات معتقد، که عمری را در ایران با دیکتاتورهای مبارزه کرد و در این راه به زندان نیز افتاد، بر اساس اطلاعاتی که روزنامه سده به قرا رگانی می رسد، به پیروزی نیروهای صلح ایران در جنگ اعتقاد ندارد.

می گوید انگیزه برای جنگ اندک است، تجهیزات نیروهای که به زور به خدمت گشاده می شوند، تا بخوابند است. وسیله نیست، و کشور زبا افشاده دیگر خوبی درین ندارد، برای یک جنگ تدافعی هنوز می تدبیر می آید. برای یک جنگ را بسپار کرد، لیکن برای جنگی تنها جمی که جریان دارد دیگر هیچ کس را رهبر ۷۱ ساله ایل مغرور بختیاری، مستقر در کوچه های زاگرس، برای همکاری

را در باره فساد در معامله شرکت "تیسن" با شرکت ملی نفت ایران برای ساختن یا لاینگا هفت اصغیان، با عبارات نسوی آغامی کند.

چاپخانه های که فرم های تقلبی چاپ می کرد، و افرادی که ماضی دیگران را جعل می کردند، مدیرانی که صورت حسابهای تقلبی را می پرداختند، اجزاء این شبکه کلاهبرداری بزرگ را تشکیل می دادند.

در اقتصاد آلمان فدرال موارد کلاهبرداری و تبهکاری اندک نیست، ولی تاکنون ما بقیه ندا ستد است که مدبران یک گروه صنعتی که دارای شهرت جهانی است، یک کارگرا جعل اسنادیسا زندنا صندوق مالی یک کشور دیگر را چیا ول کنند.

دولت ایران، به اعتبار شرکت "تیسن" و امضاء مدیران آن، بی هیچ گفتگویی این صورت حساب ها را می پرداخت. در طرحی که هزینه آن ۱/۸ میلیارد دلار ک برآورد شده بود، مبلغ ده میلیون مارکی مسئله مهمی نبود، خامه آن که طرف معامله شرکت بسیار معتبری بود و سال، سال بهم ریختگی انقلابی بود: سال ۱۹۷۸.

ایران، برای آنکه صورت حساب های "تیسن" را بپردازد، نزد "دویچه بانک" دروسلدورف یک اعتبار اسنادی با زر کرده بود، و بانک، هنگامی که ارقام مندرج در صورت حساب با مشخصات فنی کا لاملاقت می کرد، طبق معمول مبلغ را به فروشنده می پرداخت. در این اشنا اگرچه شرکت "تیسن" در فهرست ساهای ایران قرار گرفته، ولی مدیران آن در آلمان هیچ نگرانی حقوقی ندارند، زیرا جرم آن ها مشمول مرور زمان شده است: تخفیه مربوط به سال ۱۹۷۸ است. و کلاهبرداری و تقلب در معامله سرگذشت پنج سال در آلمان مشمول مرور زمان می شود.

اگرچه در همان روزها کسانی به تخفیه ظنین شده بودند، ولی در آغاز سالهای ۸۰ میلادی بود که شرکت ملی نفت ایران و ابوالفتح محوی، بازرگان ایرانی مقیم ژنو، اسناد مربوط به تقلب شرکت "تیسن" را درآوردند.

سوی صورت حساب های ساختگی، راه دیگری نیز برای این تقلب بزرگ اندیشیده شده بود: شرکت های دیگری که می با یست بخش های مختلف پالاینگا دریا بما زندو تحویل دهند، مستقیما "طرف معامله" ایران نبودند، بلکه با شرکت "تیسن" به عنوان بیمانکار اصلی قرار داد می بستند. ولی مبلغی که با یست آن ها می پرداخت، با مبلغی که با یست کار آن ها از دولت ایران می گرفتند، تفاوت های بزرگی داشت.

مجله "اشپگل" می افزاید که "تیسن" در شرکت ملی نفت ایران کسی را داشت که صورت حسابهای مشکوک را از بهر و نه درمی آورد و به کناری می گذاشت. نام این شخص در پرونده های تیسن با حرف "س" مشخص شده بود و او سیاوش هنری، کسی است که تا سال ۱۹۷۹ در اداره قرار داد های شرکت نفت عضویت داشت و توانست به موقع از کشور خارج گردد و در ایالات متحده اقامت گزیند.

وی هنوز نیز برای "تیسن" کار می کند. گاه

به عنوان مساوروگا به عنوان مدیر ترور در ایالات متحده.

مجید دیبا که عضو هیات مدرسه شرکت نفت بود، می گوید: "در شرکت نفت معروف بود که تیسن همواره در دادن هدایا و رشوه بسیار سخاوتمند است، و یک نماینده تیسن یک بار به خود او پیشنهاد یک میلیون دلار کرد که در هر جای جهان قابل برداختن باشد."

اسپگل - ۶ اکتبر ۱۹۸۶

پناهندگی

چهار ورزشکار ایرانی

خبرگزاری فرانسه نقل از منابع رسمی کرده جنوبی گزارشی می دهد که روز ۸ اکتبر سفارت عراق در شول با تقاضای پناهندگی چهار ورزشکار ایرانی از عراق موافقت کرد.

بدگفته شدن اهدان مینتی، نیروهای پلیس برگرد ما ختمان سفارت عراق در شول مستقر شده اند و از سوی دیگر از روز ۷ اکتبر تا کنون یک ماه مورد دولت جمهوری اسلامی برای بازس گرفتن چهار ورزشکار ایرانی به شول آمده است.

بنابریک اعلامیه رسمی از سوی دولت کرده جنوبی، هنگامی که گروه ۳ نفری ورزشکاران ایرانی که برای شرکت در بازی های آسیایی به شول رفته بودند قصد عزیمت به تهران را داشتند متوجه غیبت این چهار تن شدند.

در این اعلامیه توضیح داده شده که این چهار تن بدنام های صمد منتظری، اردشیر بهمنیار، سیا مک بژند و مهدی رضوانی در سفارت عراق بصری برسد، در اعلامیه قید نشده است که آیا دولت کرده جنوبی به ورزشکاران پناهنده اجازه خواهد داد که به عراق بروند یا نه.

روزه اکثر منابع موثق اطلاع داده بودند که مقامات کرده جنوبی از عزیمت چهار ورزشکار ایرانی به عراق جلوگیری کرده اند.

خبرگزاری فرانسه - ۹ اکتبر ۸۶

وزیر دفاع امریکا در چین

نخستین دیدار ایست اکونومیک دا یجست به نقل از منابع آگاه در واشنگتن گزارش داده است که کاسپا روان برگر، وزیر دفاع امریکا در سفر آینده خود به پکن در مورد جنگ ایران و عراق مسئله فروش سلاح های چینی به جمهوری اسلامی، با مقامات پکن مذاکره خواهد کرد.

این نشریه به نقل از همین منابع می افزاید: دولت آمریکا حتما رد کرده به رغم تکذیب های مکرر دولت چین، این کشور به جمهوری اسلامی مقادیر متناهی سلاح و هواپیما های نظامی ما درمی کند و حال آنکه این اقدام مفایر موضح بی طرفانه اعلام شده پکن در قبال جنگ ایران و عراق است.

دیدار ایست اکونومیک دا یجست - ۷ اکتبر

با فرزندشاه فقید، که او آخرین نخست وزیر پدرش بود، آماده است، البته بر اساس سلطنتی شروطه، به تقریب چنان که در آسیا نیا یا انگلیس وجود دارد. به عقیده ناظران بی طرف، بختیار و نهضت مقاومت ملی اومی توانستند در قلمرو چند روز صدها هزار نفر در شهرهای بزرگ ایران بسیج کنند، و این پیام در یک نگاه تازمان میبایستی به ثبات رسد، در آن زمان بیش از یک میلیون نفر در زمان تعیین شده در تهران به "گردش" رفتند. اکنون موقعیت ازبیس مساعده تر است.

به عقیده بختیار در قانون اساسی ایران جدید برای همه اجزای که در مکرراتیک باشند حقوق بشر را محترم بشمارند. حاشی وجود دارد، نه حزب بوده طرفدار شوری پیشا پیش مینوج می شود و نه گروه های دیگر، وی برای مجاهدین خلق که از حیث انتقاراتی در غرب بسیار رفعا لند بختی فائل نیست. می گوید: "ایمان با رژیم نونا لیر انقلابی ها همگاری کرده اند، آقای رجوی به مردم می نالد که ما دست خود مخالفان رژیم را کشته است. چنین آدم هایی قائل اعتقاد نیستند. طرفدار از سوی رژیم و مخالفان رژیم، از حیث مالی وابسته به عراق - آنان چگونه می توانستند همای مردم را بدست آورند؟"

ماندگاری رژیم کنونی از حیث زمانی به سه عامل بستگی دارد:

"سراسیمت اقتصاد، جنگ با عراق، انزوای بین المللی، شکست حمله های که در پیش است، این تحول را شتاب خواهد بخشید، تعطیل کارخانه های هر چه بیشتر به علت نبودن سوخت بیک و مواد خام در ماه های آینده شما ریبکاران را فرزونی خواهد بخشید و حداقل یک میلیون بر آن اضافه خواهد کرد."

یک حالت تنها جمی فذخمی وجود خواهد آورد، و سوی نونگلا نورا و انقلابی ها (کارمندان مالبرسته، مالاها و پاسداران انقلاب) رژیم امروز فقط می توانستند در کودگان و نوجوانان افسوس شده و همچنین سخی از با زارتکیه کند."

دی ولت - ۷ اکتبر ۱۹۸۶

حساب سازی

تنظیم صورت حساب برای کالاها می که تحویل داده نشد، افزایش قیمت هایی که مشتری از آن خبری نداشت - این ها روسی ها می بود که مدیران یک شرکت وابسته به کشور بزرگ صنعتی آلمانی "تیسن" برای کلاه گذاشتن سرایران بکار بردند و توانستند ۱۴۰ میلیون مارک زیادی از ایران بول بگیرند.

مجله "آلمانی" "اشپگل"، گزارشی خود

فرهنگ ایران

محمد جعفر محبوب

داستانی از شاهنامه

یازده رخ یا دوازده رخ؟

پیروزی بیژن

جنگ هومان و بیژن، برادرزاده ای که با هم گذاشته بودند، تن به تن بوده است. حتی قرار بر آن بود که هر یک از طرفین که پیروز شود به طرف آن طرف خود آزار نرساند. از این روی سپاهیان از دو طرفت جا بجا و خود را ترک نمی گویند، اما گذار بیژن از بیژن روی سپاه توران بود. از این روی زره سپاه و شاه را از تن بیرون می کنند و زره هومان را می بوشد، علم او را بر سر می دارد و بر اسب او سوار می شود تا به سلامت از ابرو بر سر او نیسان بگذرد. تورانیان نیز چون از دور او را می بینند گمان می برند که هومان پیروز شده است. بیژن چون از برابر سپاه توران گذشت علم هومان را ننگون کرد و بیژن را شکست داد و هومان را با خبر می نمود. اما بیژن دیگر از معرکه بیرون جسته بود و تورانیان دستنی بدو نداشتند.

پس از این ماجرا بیژن برادر دیگر خود بیژن را می خواهد ویدوما موریت می دهد که به سپاه ایران شبخون بزند تا نتقام خون برادر را بجوید. اما ایران نشان پیدا روشها ربودند و همه جا دیده بان بر راه داداشند؛ خونستیم آن لکر کینه خواجه

سپاه فرد نزدیک ایران سپاه سپیده دمان او سجا می رسد که از دیدگه دیده بانس بدند یکی سانگ زد سوی کار آکبان که آمد سپاهی ز توران دمان از همین جا بیان کار نشسته و سپاه وی معلوم است، چشپخون وقتی ممکن است توفیق یابد که سپاه خصم از آن بی خبر باشد. اما ایران نشان پیدا روا داده بودند. در این گبرودار نشسته کینه سپاه وی تا رومدار می شود.

پس از ماجراهای بسیار، نامه نوشتن هر یک از دوسرودار به پادشاه خویش و خواستن کمک، چون فرماندهان هر دو از خون ریزی بیخوده متنفر بودند (گودرز هفتاد دسر در جنگ از جنگ از دست داده بود) بگدبگر ملاقات می کنند و بیژن می بندند که به جای افکندن سربازان به جهان بگدبگر، یازده سردار از سپاه ایران، با یازده سردار قریبه خویش از تورانیان جنگ کنند و بیژن روزی از آن سرداران را با یک خصم خود را کشته اند. این قرار میورد توافق قرار می گیرد، سرداران هم سرداران را تعیین و هر کس را تا سزای جنگ با حریف خویش می کنند بیژن ترتیبی که فریب از ایران یا کلمه، گویا گزوی زره، گرازه با سبک، فروهل یا رنگسه، زهام با بارمان، بیژن با روئین، هجیر با سپهر، گزگین با اندریمان، نرتسه با کبهزم، رنگه شاوران با اخواست و سرانجام گودرز با بیژن جنگ کنند. در این فهرست نخستین نام همه جا از سرداران ایرانی و نام دوم پهلوانان تورانی است. فردوسی، صحنه جنگ یکا یک از بیژن سرداران با حریف خویش را با استادی تمام و به زیبایی خیره کننده ای شرح داده است. اما پیش از آن که سردان با سخن بگویم اکنون جای آن است که بگویم چرا این جنگ در شاهنامه هم یازده رخ خوانده شده است و هم دوازده رخ.

چنان که ملاحظه فرموده ایم، در این جنگ بیژن تنها پهلوانی است که با دوتن نبرد می کند نخستین جنگ وی با هومان برادر بیژن است. اما این سردار جزو امطی جنگ نیست، و پیش از صحنه آرایبی نبرد سرداران با بگدبگر اتفاق می افتد.

در این صورت اگر آما سرداران کشته شده، سسوران را بخوا هم دوازده تن هستند: هومان پیش از جنگ جمعی در نبرد با بیژن کشته می شود، سپس با رنگی بیژن در جمع پهلوانان با روئین نبرد می کند و سورا و سپهر می شود. بنا بر این به این اعتبار می توان این جنگ را دوازده رخ نامید، اما صحنه جنگ اصلی، که سرنوشت بیژن را بران و توران را تعیین می کرد، عبارت از نبرد تن به تن یازده پهلوان تورانی و یازده سوار ایرانی بود که فرماندهان سپاه از بیژن هم نبرد با آن سواران را آغاز تعیین کرده بودند. به این اعتبار، جنگ اصلی، جنگ یازده رخ است و در این مقام باید عرض کنم که این جنگ بیشتر نبرزه نام جنگ با زده رخ خوانده می شود تا دوازده رخ.

نبرد پهلوانان

بی شک شرح نبرد تن به تن یازده زوج پهلوان در این

فرماندهان کل هردو سپاه سال خورده، خردمند و تجربه آموخته و کرم و سوردو زکا ر دیده بودند. هر یک از آنان می گویند که از نظر سوت الجبئی بهترین و مناسب ترین جای رابری مستقر شدن و اردو زدن به دست آوردند. در این کار نیز جایگاه مناسب تر نصیب ایران می شود. اما تورانیان نیز موضعی مستحکم به دست می آورند و در آن مستقر می شوند. منتهی نکته مهم در این موضع گیری آن بوده است که هر یک از این دو سپاه که در نبرد بیش دستی می کرد و برای حمله جایگاه خود را ترک می گفت شکست وی قطعی بود، چه در پشت سپاه هسان خصم در کمین بودند و آن مواضع محکم را اشغال می کردند و موجب شکست سپاه می شد. آنرا آغا زکرده بود می شد. از همین روی، چند روزی پیش دو سپاه به دست سورا فرماندهان با تجربه، خویش جایگاه خود را ترک نمی گویند و به انتظار حمله طرف مقابل می نشینند. رفته رفته سرداران و پهلوانان جوان ترمول می شوند. بیژن بر گویونوه گودرز، که از سوی مادر بیژن بوده، رستم بود پیش پدرو رود و از او برای جنگ آزار می خواهد. گویو بدو می گوید این کار را نباید دستور گودرز صورت گیرد و او نیز بر تجربه به درستی می دانند چه می کند و اگر اکنون آزار به بگا رنجی دهد می شک مصلحت در این کار است. از بیژن یکی دوزخ صبری کند ما؛ به روز چهارم زینت سه

نه بیش پدر (= گویو) سه همه جا خاک نمید پرن کینو تا قلب گاه همی با گای باب (= پدر) کار زما می جرای بدین حیره بودن بیای؟ به پنجم فرار آمد اسن روزگار

سور روز آسایس آمد ز کمار بیژن در پان سخن خویش حتی زبا ن ظن در گودرز دراز می کشد می گوید باید نباید من دیگری شده و از بسیاری نشاد در میدان نبرد پروا می کند. اما گویا و رابسه شکیب فرامی خواند. از سوی دیگر سرداران جوان پیران فرمانده سپاه توران، که مریدی پهلوان و شیرداز زده بود و هومان نام داشت نیز نبرد را در فتنه آوا جازه جنگیدن خواست. اما بیژن نیز به همین ملاحظات او را از این کار با زده داشت. هومان به سخن برادرگونی نکرد و صلاح نوشید و به سوی سپاه ایران آمد و از زهام (= سیر گودرز) تقاضای جنگ کرد. زهام بدو گفت از سوی گودرز مجاز به جنگیدن نیست. هومان سوسوی فریبز (= سیرکی کا ووس و برادر سپاه و و عموی کی خسرو) رفت و از او جنگ خواست. اما از فریبز نیز همان بیاسخ را شنید. سپس نزد گودرز رفت و از او جنگ خواست. بدو گفت گودرز کاندیشه کن

که با شد سزا بانو گفتن کسین دلیری مکن جنگ ما را بخواه که رسوا، بانیرناید به راه اما هومان چون پاسخ گودرز را شنید: به گودرز گفت: آری سبایی به جنگ توبیا من، به زان است کا پدنت نک از آن پس که جنگ کشن دیده ای سر از رزم ترکان بیجیده ای گفتگوی دو پهلوان دراز می شود و گودرز به هیچ روی به جنگ راه نمی دهد. ناگزیر هومان اسب می نازد و بیسه سوی نگهبانان سپاه می رود و به چهار رتن آزان را با تبر بر زمین می افکند. چون بیژن از گردار هومان آگاه می شود، سخت بدو برمی خیزد. پیش پدش گویو می رود و با اصرار از او می خواهد که برای جنگ با هومان زره سپاه را بدو بدهد (تبر و شمشیر به زره سپاه و شکار زنی کرد) پدر، برای مصلحت سپاه زدادن زره بدو خود داری می کند. اما بیژن می گوید که بی زره سپاه و شمشیر جنگ هومان خواهد رفت، چون رفتار روی مایه، سرتکستی ایران نشان بوده است. گویو از آن مل و اندیشه زره سپاه و شکار زنه سردار می دهد. بیژن به جنگ هومان می رود، مدتی دراز با هم جنگ می کنند تا شب نزدیک می شود، سرانجام قرار به کشتی می گذارند. به گفته فردوسی هومان از بیژن زورمندتر بود:

زیبیزن فزون بود هومان به زور
هنر عیب گرده و برکت هور
بزد دست بیژن بسان پلنگ
زرنا به پایس بدازید حک
گرفتنس به جب کردن و راست، زان
خم آورد نیست کیون کمران
بر آوردن از جای و پشهاد نیست
سوی خنجر آورد چون باد دست
نرو بر دوسر کردن از تن جدا
فکنندس سان یکی اودها
مغلطید هومان به خاک اندرون
همه دست در سرجوی خون...

یکی از داستان های بسیار زیبای بخش حماسی شاهنامه فردوسی داستان دوازده رخ، یا به تعبیر دیگری یازده رخ است (علت این تفاوت شرح داده خواهد شد). در این داستان صحنه های بسیار زیبای وجود دارد و از حماسه ملی ایران به وسیله فردوسی آراسته شده است. با این حال بسیاری از جوانان ما از آن هیچ آگاهی ندارند. این داستان بسیار مفضل است. لیکن ما خواهم گویند تا خلاصه ای از آن را با خوانندگان علاقه مند به فرهنگ دیرپای و کهن سال ایران در میان گذاریم.

علت اصلی و محوری اساسی حماسه ملی ایران، جنگ های طولانی و تقریباً بی پایان نابیدیرا بران و توران است. دوا دهنه آتش این جنگ های خان و مان سوز را دا من زد که یکی کشته شدن ایرج فرزند فریدون و فرمان روانیا بران به دست برادرانش سلم و تورا است، و دیگری که موجب پدید آمدن بزرگ ترین بیگاری های ایران و توران شد، کشته شدن شاهزاده فرشته خوی و بی گناه و شجاع و زیبای ایران سیاوش، به فرمان آفراسیاب و برادرش چین و وحید کردن گریوز برادر آفراسیاب بود. کین خواهی از قتل فیض سیاوش است که روزگاری دراز با ایران و توران را در دشت نبرد روی روی هم نگساره می دارد. پهلوان جنگ های ایران رستم، و شاه کشتور در خون خواهی سیاوش کی خسرو پسر اوست که شاه است جوان و دارای دوازده رخ. اما خصم ایرانیان آفراسیاب شاه کهن سال، جنگ آورو حمله گری است که کمالات بسیار بر برابر ایرانیان با یاداری می کند و سرانجام پس از شکست های متوالی به دست کی خسرو که خود نوه دختری اوست می افتد و بیستادم خون سیاوش کشته می شود.

جنگ یازده یا دوازده رخ، یکی از صحنه های متنوع و زیبا و نسیبتا " طولانی سلسله جنگ های ایران و توران است: آفراسیاب پس از شکست سختی که در نتیجه خلافت رستم در جنگ ایران و توران خورد بود، هیچ گاه از زیاده تلافی شکست خویش غافل نبود. چون به توران رسید، به همسایگان خویش، قفقوز چین و شاه ختن نامه نوشت و از آنان کمک خواست. آن گاه به هجرت هزار رستوار راه سریشیده و او را روانه، خوا رزم کرد. از سپاه هسان چینی نیز پنجاه هزار رستوار زنده برگزید و به وزیر و سردار بزرگ خود بیژن سپرد:

بدو گفت تا شهر (= کشور) ایران برو
بخت بخت بخت سالار نو

در آسنی هیچ گونه مجوی
سخت جزه جنگ و به کینه مگوی
از سوی دیگوان خیره کی خسروی رسد، وی نیز سیزده هزار رستوار از بخش های مختلف ایران آماده می سازد. آن گاه سی هزار از این سواران را به رستم می سپرد و او را به فتح هندوستان مامور می کند و دستوری می دهد که پس از گشودن آن کشور سربش خود را مرز در آن جا بگذارد و خود پوری جنگ با آفراسیاب به ایران بازگردد. به همین ترتیب تنی چند از سرداران دیگر را نیز با سپاهیان به شهرهایی چون آلان، گرچه و خوارزم می فرستد تا از هر سوی راه کمک رسیدن به آفراسیاب را فریاد کنند، سپس:

چهارم سپه راه گودرز داد
بدو گفت کای گردم پهلوانان
برو با بزرگان ایران به هم
جوگر کین و خون رنگ و گدتم...

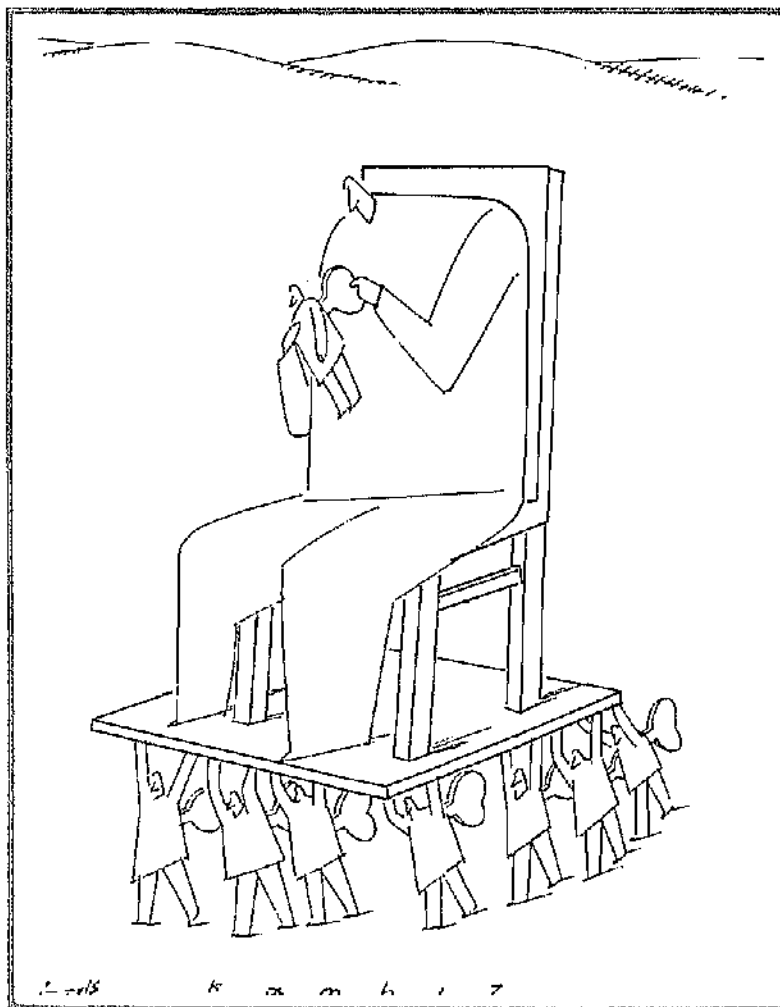
بفرمودستن کمران به جنگ
سوی مرز توران عدن بی درنگ
بنا بر این سپاه اصلی ایران با پهلوانان و سرداران متعدد، به فرماندهی گودرز راهی توران می شود. کی خسرو در باره روش و طرز رفتار پهلوانان و سپاهیان گودرز فرمود پس سربانی
که رفتی کمر بسته کارزار
نگر تا گیزی به سداد دست
نگردانی ایوان آباد دست...

کسی گوید جنگ نستند می...

حان سا زکرتون بیند زبان
گودرز نیز چنین می کند، وقتی سپاه او با سپاه تورانیان، سه سرداری بیژن را روی رومی شود گودرز سسر خود گویو را به رسالت نردیبران می فرستد و بدو پیام می دهد که چون دست توبه خون سیاوش آلوده نیست، و در باره او، و نیز در باره فرزندان کی خسرو ز مهربانی در پی نگرده ای، اگر از جنگ و بیگاری در گذری و به ایران بیایی همیشه مقدمت نژاد ایرانیان گرامی است و شاهنشاه ایران با توبه شفقت و مهربانی رفتار نخواهد کرد. اما پیران تورانی است. در آن کشور به مقام های بلند رسیده و بزرگ ترین مشا و آفراسیاب بوده است. از این روی بیژن با گودرز را در می کند. فردوسی از زبان بیژن بیستی می سرايد که امروز ضرب المثل شده است:

مرا مرگ بهتر از این زندگی
که سالار باشم، کنم بندگی
گویا با سخ منفی پیران نژد پدربا زمی کرده، اما

حذف داوطلبانه حقایق



کتاب جورج ارول، به نام ۱۹۸۴، در ایران سرنوشت جالبی داشت. تقریباً "دوازده سال پیش از انقلاب اسلامی، ترجمه و چاپ شده بود. ولی از آن جز نسخه‌های کمی ماندود به فروش نرفت، بقیه در قفسه‌ها یا انبارهای کتابفروشی‌ها خاک می‌خورد. چند هفته پس از انقلاب اسلامی، نه فقط از کتاب‌ها خاک‌ها سترده شد و بقیه با زار عرصه گردید، بلکه مترجمان تازه‌ای آن را از نو ترجمه کردند و ناشران تازه آن را به بازار فرستادند. ۱۹۸۴ که پیش از انقلاب اسلامی کتاب فـرـا موش شده‌ای بود، ماه‌ها و بلکه سال‌های تمام در شمار بیرونی‌ترین کتاب‌ها در آمد. ارول، هنگامی که آن کتاب را می‌نوشت، الگوی انقلاب اسلامی را نمی‌توانست در نظر داشته باشد، ولی آنچه او در ایران رمان آورده بود، به نحو غریبی در رژیم اسلامی شکل می‌گرفت، زنده می‌شد، واقعیت می‌یافت، صورت می‌پذیرفت. در سرزمین انقلاب، چنان که ارول شرح می‌دهد، البته کسی دروغ نمی‌گوید:

منتها اسم چیزها عوض می‌شود؛ مثلاً وزارتخانه‌ای که ما؟ موزشرخبرهای دستکاری شده است، وزارت حقیقت وزارتخانه‌ای که در آن شکنجه داده می‌شود، وزارت عشق نامیده می‌شود. و این تغییرمعنای واژه‌ها به تدریج چندان پیش می‌رود که یک واژه نامی تازه‌جانشین واژه نامی قدیمی می‌گردد.

رژیم اسلامی حاکم بر ایران از بسیاری جهات شبیه تصویری است که ارول در آن کتاب درآکنده است - از جمله از این جهت که در آن رژیم برای بیان حقایق کهن واژه‌های نوینکاری می‌برند و با املا کلمات تازه‌ای می‌سازند.

در رژیم شهران طرح جیره‌بندی کالاها، احش جیره‌بندی نیست، "توزیع عادلانه" کالاهاست. یعنی رژیمی که زیر فشار کمبودنا گزیده است کالاها را جیره‌بندی کند، می‌خواهد این را به عنوان یک نمونه عدالت اجتماعی به جامعه حقیقت کند.

کلمات، حتی در ۱۹۸۴ جورج ارول، هرگز

به این اندازه برای پوشاندن واقعیت بکار گرفته نمی‌شدند که در رژیم اسلامی می‌شوند. و شگفت اینکه واقعیت هر قدر روشن و ملموس تر، كلما می‌که برای پوشاندن آن بکار می‌رود، غریب و نامفهوم تر است.

ما هاست که مردم، کره گیر نمی‌آوردند، چون دربار از وجودندارد. خوب، وقتی چنین حالتی پیش آید، به زبانی متداول می‌گویند که کره کمیاب یا نایاب شده است. همه این را می‌فهمند. ولی زبان رژیم - که خود را مردمی هم می‌خواند - در اینجا از همیشه بیشتر از زبان قابل فهم برای مردم فاصله می‌گیرد. می‌گوید: "حذف داوطلبانه کره از الگوی مصرف". این عبارت را جلویک آدم معمولی کوجهو با زار در ایران بگذارید، آیا می‌تواند دریا بدک "حذف داوطلبانه کره از الگوی مصرف" یعنی اینکه کره دریا را بگیریم آید؟

از این هم ریاکارانه تر عنوانی است که به تعطیل بیای بی کارخانه‌ها و بیکار شدن خیل روزافزون کارگران داده‌اند، به تعطیل شدن کارخانه‌ها می‌گویند: تغییر ساختار اقتصادی. انگار که تعطیل یک کارخانه یا چندصد یا چند هزار کارگر مانند تغییر یک سیون یک مغازه است که باعث شود مغازه چند روز تعطیل باشد و فروشنده‌گان و کارگران در این چند روز از کارغایب باشند.

چیزی ریاکارانه تر از این وجودندارد که در کارخانه‌های رابینند و کارگران راباز خرید کنند و بگویند "ساختار اقتصادی" را تغییر می‌دهیم، کارگر بینوا چه می‌داند "ساختار اقتصادی" یعنی چه. اگر می‌دانست حتماً "بقیه" مسئولان این نابسامانی را می‌گرفت و می‌پرسید تغییر ساختار اقتصادی چیست ربطی دارد به تعطیل کارخانه؟ مگر این همه کارخانه‌ها که ساختار تولید خود را در طول سال تغییر داده‌اند، درهای خود را بستند و کارگران را به درون خود راه ندادند؟

کره دریا را ریبدا نمی‌شود، می‌گویند الگوی مصرف را تغییر می‌کنند، کارخانه‌ها تعطیل می‌شوند، می‌گویند ساختار اقتصادی را تغییر می‌کنند. لابد در باره کمبودها و کارخانه‌ها هم می‌گویند الگوی آموزشی را تغییر می‌دهیم. می‌کنند.

هنگامی که انسان با چنین لحنی از "تغییر" حرف می‌زند، قاعدتاً "نوید بهبودی" را درآینده می‌دهد. امساک ایران انقلاب زده تغییر یعنی کمبود، یعنی مصیبت، یعنی بیگاری، یعنی بینوائی، در چنین حالتی آیا بهتر است نیست که جلوه‌های تغییر را گرفتند، مگر یک تغییر: تغییر رژیم؟



بقیه از صفحه ۱ انهدام

تأسیسات نفتی کرکوک

در این میان، جمهوری اسلامی، شنب گذشته (۱۲ اکتبر) اعلام کرد که درسی عملیات بیروزمندانه الفتح - یک که با شرکت با سدا را ن انقلاب اسلامی و کردهای اتحادیه میهنی کردستان عراق انجام شده و به انهدام تأسیسات نفتی و استرا تژی کرکوک انجام می‌دهد. فرودگاه این شهر، دیروز بسته شد. رادیو جمهوری اسلامی در گزارشی در باره چگونگی انجام عملیات علیه کرکوک گفت واحدهای عراقی که قصد داشتند این عملیات چریکی را مهیا کنند بهی درنگ به محاصره درآمدند و شمار کثیری کشته و زخمی برجای نهادند. رادیو رژیم تهران به نقل از حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، سخنگوی شورای عالی دفاع اظهار داشت که دوهزار و پانصد تن نیروی انسانی و مقادیر قابل ملاحظه‌ای ملزومات جنگی در عملیات والفتح - یک که جمعه شب

و به مدت شش (۱۱ و ۱۲ اکتبر) انجام شد، سه کار گرفته شدند. هاشمی رفسنجانی که در برابر دانشجویان دانشگاه امام صادق سخن می‌گفت اظهار داشت که شبیه نوین این عملیات از مدت‌ها پیش به یاری و همکاری یکی از گروه‌های اپوزیسیون عراق (اتحادیه میهنی کردستان عراق به رهبری جلال طالبانی) شادارک می‌شد.

وی افزود که عملیات والفتح - یک، پاسخ سخت جمهوری اسلامی به حمله‌های بغداد به تأسیسات اقتصادی ایران بود. هدف اصلی ما از انجام این عملیات، تضعیف بنیه اقتصادی عراق بود. به این ترتیب، ما می‌خواستیم مانع از غارت منابع اقتصادی عراق از سوی رژیم بعثی حاکم بر این کشور شویم.

روز دوشنبه ۱۲ اکتبر، مقامات رسمی ترکیه اعلام کردند که شاه لوله نفتی عراق که نفت کرکوک را به لایسگاههای ترکیه می‌رساند هیچ آسیبی ندیده است و رئیس تأسیسات نفتی ترکیه در شهر بیورتا لیک نیز تا نعتی ترکیه در شهر جریان نفت عراق از اجزای کرکوک به لایسگاه ترکیه بر اثر حمله نیروهای جمهوری اسلامی قطع نشده است.

جمهوری اسلامی روزیکشنبه ۱۲ اکتبر اعلام کرد که جنگنده‌های کشور عراق مراکز صنعتی شیراز و مهاباد را بمباران کردند که بر اثر این حملات ۶ تن کشته و چهل نفر زخمی شده‌اند. خبرگزاری فرانسه از بغداد گزارش داد که جنگنده‌های عراقی بعد از ظهر روز ۱۲ اکتبر پالایشگاه شیراز و کارخانه‌های نظامی مهاباد را و شیمیایی مهاباد را بمباران کردند.

خبرگزاری‌ها - ۱۲ اکتبر ۱۹۸۶



گودرز وقتی او را چنین دید دلش بسیار سوخت و زار بگریست و بدو گفت: ای بهلوان نامورتورا چه شد چنین پیاده از پیش من دوان می‌روی؟ چرا از لشکر کسی تورا یاری نمی‌کنی؟ چون چنین است از من زنهار خواه (= امان بخواه) تا تورا زنده پیش شاه ببرم، اما پیران از غیرت بهلوانی رضاندادو گفت: من اندر جهان مرگ را زاده‌ام. بدین ترتیب گودرز بر کردگوه می‌گشت و بر پیران دست نمی‌گذاشت، اما به دستی سپر و به دستی زوبین به سوی او می‌رفت. پیران او را از دور می‌دید و چون فرصتی یافت زوبینی به سوی گودرز پرتاب کرد که پیرا زوی سالار پیرا آمد. چون گودرز به دست پیران زخمی شد به خشم آمد و: بینداخت زوبین، به پیران رسید زره در بر سر بر سردر زبشت اندر آمد به راو جگر برآمدش خون جگر از دهان برآوردن رتن رمت هم در میان گودرز، زخمی، اما پیروزمند شد چون ایران با زگشت و شیردبه پیروزی ایران تیان پایا ن یافت. در جنگ یازده رخ صحنه‌های زیبا و ریزه‌کاری‌های شگفتانگیز در باره فنون سیاهی گری و لشکر کشی و توجه به ویژگی‌های میدان جنگ و شرح نکات فنی نظامی به فراوانی آمده است و نشان می‌دهد که فردوسی با خود روزگاری به سیاهی گری گذرانیده یا از این دانست آگاه‌تر و دقیق‌تر و وسیع‌تر دانسته است. شاه‌نامه را زیستاری جهات و زاویه‌های گوناگون قابل ملاحظه و مطالعه است. یکی از آن جنبه‌ها نیز جنبه نظامی این شاهکار جاویدان هنر و ادب فارسی است.

یازده رخ یا دوازده رخ؟

ولیکن زمردی همی کرد کار بگویند با گردنی روزگار و آن پس گمان برگرفتند و تیر دو سال از لشکر، دوهشمار پیر یکی تیرباران بکردند سخت چو با یوزخان برجه‌برد رخت گودرز در ضمن تیرباران، جای حساسی از زره اسب (= برگستان) پیران را نشان می‌گردد و تیری به اسب می‌اندازد، اسب از ضربه تیر بر زمین می‌غلتد و پیران از اسب می‌افتد و در زیر سنگینی تنه اسب دست راستش می‌شکند و در نیمه می‌شود. پیران دانست که زمانش فراز آمده است (= وقت مرگش رسیده است) ... رگودرز بگریخت، شد سوی گوه شد از درد دست و دیدن ستوه همی شد بر آن کره سر بر دوان گز او بسا ز کردد مگر بهلوان ... پیران بهلوانی نجیب و نیک خواه و خوش طینت است.

گفتار کوتاه نمی‌کنند، اما برای به دست دادن نمونه خلاصه‌ای از آخرین، و احیاناً جالب توجه‌ترین ایسن نبردها را که رزم گودرز با پیران است عرضه می‌کنیم: صحنه مربوط به وقتی است که تمام سرداران تورانی به دست حریخان ایرانی خویش به قتل آمده‌اند و پیران تنها سرداری است که هنوز زنده مانده است:

... چنان ندک پیران ز توران سپاه سواری ندید اندر آوردگاه (= میدان جنگ) سبدا را بران و توران، به هم فراز آمدند اندر آن کس، دژم ... به شمع و به خنجر بگریز و گنبد زهرگونه‌ای بر نهادند بند فراز آمد آن گردش ای زودی پیران به پیران رسید آن بدی ... نگه کرد پیران که هنگام چیست بدانستگان گردی ای زدی است

تهدیدهای تازه

باز دیگر تهدیدهای تروریستی هماهنگ علیه فرانسه اوج می گیرد. سازمان جها د اسلامی، کمیته همبستگی با زندانیان سیاسی عرب و خاورمیانه ای و ارتش سری ارمنستان معروف به "آسالا" به طور هماهنگ تهدیدهای خود را علیه فرانسه از سر گرفتند.

روزنامه "لیبراسیون" چاپ پاریس نوشت: فرانسه ربرئیک های متقاطع گروهکهای تروریستی خاورمیانه ترار گرفته است. روز ۶ اکتبر کمیته همبستگی با زندانیان سیاسی عرب و خاورمیانه ای، اعلام کرد چنانچه سه تروریست زندانی در فرانسه، یعنی ژرژ براهم عبدالله، انیس نقاش، و اروژان گاربی چیان آزاد نشوند عملیات تروریستی خود را در فرانسه از سرخواهد گرفت.

از سوی دیگر سازمان تروریستی جهاد اسلامی بار دیگر پیام سه تن از گروهکهای فرانسوی را که در یک کاست ویدئو ضبط شده بود همراه با اعلامیه ای برای یک خبرنگاری غربی در بیروت ارسال داشتند. دو دیپلمات فرانسوی، مارسل کاترن، و مارسل فونتن، و روزنامه نگار فرانسوی ژان پل کوفمن، در این نوار ویدئو در حالی که آشکارا زیر تهدید تروریست ها قرار داشتند اعلام کردند که آزادی آن ها موکول به اقدام دولت فرانسه برای آزادی ۱۷ تروریستی است که در کویت زندانی هستند. این عده که عضو حزب الدعوة وابسته به جمهوری اسلامی هستند، به علت انجام عملیات تروریستی مختلف در خاک کویت که منجر به قتل ده ها نفر افراد بی گناه گردید زندانی هستند. دولت کویت با رها اعلام کرده است که به هیچ عنوان حاضر به آزادی کردن این سه تروریست ها نیست.

از سوی دیگر ارتش سری ارمنستان معروف به "آسالا" از سازمان جها د اسلامی خواست ژان پل کوفمن یکی از گروهک های فرانسوی را به قتل برساند.

به گزارش خبرنگاری فرانسه، شخصی که خود را "واهران میان" سخنگوی ارتش سری ارمنستان معرفی می کرد، روز ۷ اکتبر طی تماس تلفنی با یک خبرنگاری غربی در بیروت اظهار داشت: به علت سفسر شیون برز نخست وزیر اسرائیل به فرانسه ما از سازمان جها د اسلامی می خواهیم قانون شرع اسلام را در مورد ژان پل کوفمن جا بس صهیونیست اجرا کند و وی را به قتل برساند.

سخنگوی ارتش سری ارمنستان، همانند کمیته همبستگی با زندانیان سیاسی عرب و خاورمیانه ای خواستار آزادی ژرژ

جبهه های اعتیاد

بقیه از صفحه ۱

راه حل اجتماعی در کجاست؟ در این است که معنادان را برای بازآموزی به جزیره ای تبعید کنند که تا می ندارد؟ در این است که جوانان ما را از بی هویتی دنیای اعتیاد به بی هویتی یک جزیره بی نام و نشان گسیل دهند؟ بازآموزی به کدام معنی است؟ به خاک سپردن هویت گمشده است یا بازآوردن آن هویت؟

اعتیاد در جامعه، مادامه ای چنان گسترده یا فته است که عوامل رژیم نیز نمی توانند چشم بر آن فروبندند، خاصه آن که جبهه های جنگ بدان آلوده شده است. بسیاری از جوانان ما مصوم به جبهه برده می شوند و اگر گشته نشوند، معتاد برمی گردند. جماعه سرائی را کارانه رژیم در باره جنگ، دیگر نمی تواند نگاهت منظور و تعمی آن را بیونانند.

افزایش تعداد معتادان یک طسرف و با بین آمدن سن اعتیاد یک طرف، آنچه در این رهگذر خود را کند ترا همیشه نشان داده است، تشیع حدوت عزیر است. رژیم اسلامی در آغاز کار برای مبارزه با مواد مخدر، شیخ صادق خلخالی، تکخال خوشونت خود را به میدان فرستاد. اما خلخالی در انباشتن جیب های خود مهارت و توانائی بسیار بیشتری نشان داد تا در مبارزه با مواد مخدر. آیت الله خمینی که در زمان شاه گفته بود قاچاق مواد مخدر را البته کسار ناپسندی است، لکن مستوجب عذاب نیست، هنگامی که خودش قدرت را بدست گرفت، این فتوایش را مانعند بسیاری فتوای دیگر فراموش کرد.

چقدر "اندرونی" بیت امام و چند مکان مستثنی شده دیگر، رژیم همه جا با خوشونت با مسئله اعتیاد روبرو می شود، برآستی نیز شما رکسانی که به جرم خرید و فروش مواد مخدر، به وسیله رژیم تهران اعدام شده اند، به هیچ وجه با گذشت در خور مقام نیست - هر چند که رژیم بعضا "مخالفان سیاسی خود را نیز به همین جرم اعدام کرده است. ولی این خوشونت مریان حاصلی که ما موران انتظارش را داشتند به بار نیاورده است. مقام های شهربانی به درست می گویند که اگر یک چاره اجتماعی اندیشیده نشود، هیچ مبارزه اداری و قانونی نمی تواند کار را زباند. ولی رژیم اسلامی کجا و حل اجتماع مسئله اعتیاد کجا؟ این رژیم کدام مسئله اجتماعی را توانسته است حل کند که بتواند از او انتظار حل مسئله اعتیاد را داشت؟

به عکس، همه اسباب اجتماعی اعتیاد در این رژیم فراهم آمده است: کاهش ظرفیت دانشگاه ها، کپی برداری ها، ورزشی، بیکاری، وحشت از آینده این ها از عواملی است که خاصه جوانان نومید ما را به با تلاق اعتیاد می کشاند. اعتیاد به صورت وسیله ای برای فراموش کردن یا تحمل کردن واقعیت جمهوری اسلامی در آمده است.

در برابر واقعیت های تلخ محیط اجتماعی هر کس به گونه ای واکنش نشان می دهد. برخی از جوانان خود را به آب و آتش می زنند و مرزهای کشور را در می نوردند تا در دنیای ناشناخته خارج از کشور بخت خود را بسازند. برخی دیگر به مواد مخدر پناه می برند. فرار از واقعیت، جوهر اصلی دور و رونه ای این واکنش ها را می سازد. این از سران های جبران نکردنی است که با عث آن جز رژیم اسلامی نیست. خرات های مالی و مادی را یک ملت با لنسبه آسان می تواند جبران کند، ولی جبران این سرما به بزرگ انسانی که بر باد می رود، به هیچ وجه آسان نیست.

ابراهیم عبدالله، رئیس ارتش انقلابی لبنان، انیس نقاش، عامل سوء قصد نا فرجام علیه جان دکتر بختیار و اروژان گاربی چیان، عضو سازمان آسالا گردید.

خبرگزاری ها - ۷ اکتبر ۸۶

هشدار به اسد

به نوشته هفته نامه آفریقای جوان، ایازا محمود، دیپلمات سوری که هفته گذشته به مدت ۴۸ ساعت در تهران ربوده شده بود، آنچنانکه مقام های جمهوری اسلامی و سوری ادعا کردند، قریباً بی تک توطئه ای امیریا لیسوم و صهیونیسم نشده است.

محمود که در تهران وظایف یک کنسول را عهده دار است، از سوی گشت مرز معروف ونهی از منکر توقیف شد، زیرا در حین سال مستی، یک دختر جوان الجزایری را که نه همسر و نه خواهرش بود، همراهی می کرد. این دختر از جزایری ملیحه الاحسن نام دارد که منشی سفارتخانه ای یک کشور عرب در تهران است. وی با محمود در طول یک میهمانی در سفارت ژان آشنا شد و با زدا شدت دیپلمات سوری هنگام مسی صورت گرفت که آن دو قصد پیدا شدن از ژانومبیل را داشتند.

آفریقای جوان می فرزند: مقام های رژیم اسلامی مدعی است که زرفتا ربرخی از دیپلمات های سوری، که بر بی مذهبی دولت خود را دارند، نا راضی هستند. این دیپلمات ها در هیچ فرصتی از نشیدن مشروبات الکلی فروگذار نمی کنند. آفریقای جوان در بیان می نویسد: با زدا شدت دیپلمات سوری به نظرمی رسد که با موافقت مقامات اسلامی بوده باشد. قبلاً شایع شده بود با زدا شدت وی در واقع هشدار از سوی خمینی به حافظ اسد است تا موضع خود را در جنگ خلیج فارس، به نفع جمهوری اسلامی روشن کند.

درگذشت

یک هنرمند تا تر ایران

محمد علی جعفری کارگردان و بازیگر تئاتر و سینمای ایران روز ۲۸ سپتامبر ۶۱ سالگی در تهران درگذشت. جعفری، فارغ التحصیل هنرستان تئاتر تهران بود و در تئاترهای فردوسی و سعدی در نمايشنا مه های مختلفی بازی کرده است. چراغ، گاز، ولین و مورفین از جمله نمايشنا مه های بودگسه به کارگردانی و نقش آفرینی اش روی صحنه آمده است.

بعدها، جعفری در چند فیلم نیز بازی کرد و فیلم های الکلی و مورفین را کارگردانی کرده بود. روز شنبه ۴ اکتبر مراسم یادبود و بزرگداشت این هنرمند ایرانی در خانه مفی علی شاه برگزار شد که گروه کثیری از نویسندگان و شاعران و هنرمندان در مراسم شرکت جستند. دریا ریس، روز جمعه دهم اکتبر مراسم یادبود از سوی خانواده جعفری برگزار شد که گروهی از ایرانیان مقیم پاریس در این مراسم حضور یافتند.



شورای امنیت سازمان ملل و جنگ ایران و عراق

خواستار شده است قطعنامه های قبلی سازمان ملل، مبنی بر قطع جنگ و آغاز مذاکرات را رعایت کنند و از دبیر کل سازمان خواه شده است به تلاش های خود برای خاتمه دادن به جنگ بپردازد.

بر اساس این قطعنامه، پس از بازگشت "دیه گوردووز" از ماء موریت خود، شورای امنیت برای بررسی نتایج سفر وی با دبیر کل تشکیل جلسه خواهد داد.

خبرگزاری فرانسه می افزاید: جمع آوری ۶۰۰ هزار تا یک میلیون سربا ز در طول جبهه های جنگ از سوی جمهوری اسلامی و تهدیدهای سران رژیم تهران، کشورهای عرب خلیج فارس را به شدت نگران ساخته است و به همین جهت خواستار تشکیل فوری جلسه شورای امنیت شدند.

در این حال نماینده آمریکا دیروز در شورای امنیت با ردیگرتا کید کرد که گسترش دامنه جنگ به کشورهای دیگر "تهدیدی بزرگ" علیه منافع آمریکا تلقی خواهد شد.

سه روز قبل، سعید رجائی خراسانی سفیر جمهوری اسلامی در سازمان ملل، بار دیگر اعلام کرده بود که جنگ تا سقوط رژیم عراق یا تشبیه متجاوز و زور برقراری عدالت ادامه خواهد داشت. علی اکبر ولایتی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی نیز هفته گذشته از کشورهای عرب خلیج فارس خواست دست از حمایت خود از عراق بردارند و با جمهوری اسلامی یک بیمان دفاعی امضاء کنند. وی این کشورها را تهدید کرد که چنانچه تسلیم پیشنهادهای جمهوری اسلامی نشوند، "منافع ملی خود را به خطر خواهند انداخت".

خبرگزاری فرانسه - ۹ اکتبر ۸۶

به گزارش خبرنگاری فرانسه، ماه آینده یک مقام بلند پایه سازمان ملل متحد برای میانجی گری میان جمهوری اسلامی و عراق عازم دو کشور می شود.

منابع مطلع در سازمان ملل متحد دیروز گفتند "دیه گوردووز" معاون دبیر کل سازمان ملل متحد، در تلاش جدیدی برای خاتمه دادن به جنگ هفت ساله جمهوری اسلامی و عراق وسی دروا داشتن جمهوری اسلامی به پذیرش مذاکرات ماه آینده عازم تهران و بغداد خواهد شد.

به گفته همین منابع، جمهوری اسلامی و عراق هر دو ماء موریت میانجی گری سازمان ملل را پذیرفته اند.

به گزارش خبرنگاری فرانسه از نیویورک شورای امنیت سازمان ملل عصر روز ۸ اکتبر به اتفاق آرا از دبیر کل سازمان ملل خواست به تلاش های خود برای برقراری آتش بس میان جمهوری اسلامی و عراق بپردازد. اعزام "دیه گوردووز" به ایران و عراق در چارچوب این تلاش ها و همچنین قطعنامه ای ترار دارد که عصر روز ۸ اکتبر به تصویب ۱۵ عضو شورای امنیت رسید و به ۴ روز مباحثات شورای ایان داد. در جلسات شورای امنیت که به تقاضای ۷ کشور عرب برای رسیدگی به جنگ جمهوری اسلامی و عراق تشکیل شد، علاوه بر عراق و کشورهای عرب خلیج فارس، حدود سی کشور دیگر و همچنین عضو دائمی شورای امنیت به بحث و گفتگو پرداختند و همگی بدون استثنا نگرانی خود را از ادامه این جنگ که یکی از پرکشترترین جنگ های نیمه دوم قرن بیستم است، اعلام کردند.

در این قطعنامه بار دیگر از طرفی

متهم شماره یک

مطبوعات فرانسه سبب ازبیش جمهوری اسلامی را مسئول سوء قصد های خونبار با رهبری معرفی می کنند.

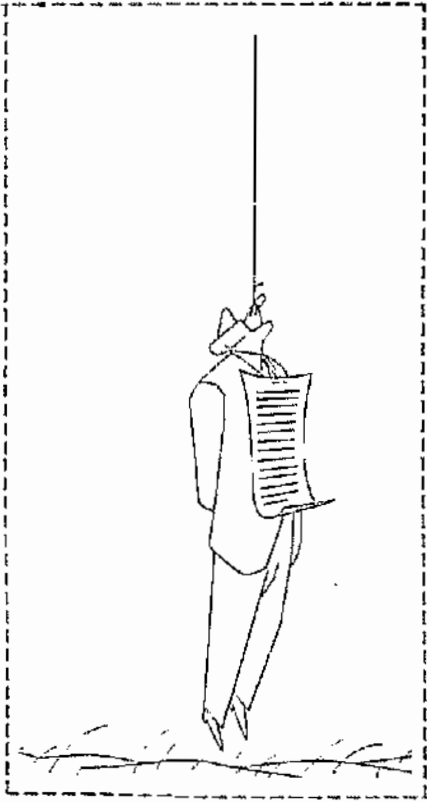
هفته نامه "اوتمان دوزودی" در شماره تازه خود از قول یکی از مسئولان بلند پای پاپه سازمان آزادی بخش فلسطین نوشت: سبب گذاری های بار بیس کار جمهوری اسلامی است.

هفته نامه "اوتمان" که به مناسبت سفر ابویاز، مسئول امور امنیتی سازمان آزادی بخش فلسطین به پاریس، چند گزارش مفصل دربارۀ مسائل فلسطینی ها و خاورمیانه و تروریسم چاپ کرده است، می نویسد: یکی از اعضاء بلند پای پاپه سازمان آزادی بخش فلسطین که ترجیح می دادند شناسنامه نداشته باشند گفت: من در سفر رسمی به پاریس به سرزمین شنیخه آنچرا ابویاز را زنتوانست بشناسم بگویم، من می توانم بگویم، وی سپس جمهوری اسلامی را مسئول سوء قصد های پاریس دانست و گفت: از آنجا که سوریه انواع گروه های تروریستی لبنان را زیر پوشش خود گرفته است فوراً مسوود سوء ظن قرار می گیرد، اما نگاه ها باید متوجه سازمان های امنیتی جمهوری اسلامی باشد که از طریق حزب الله، کمیته همبستگی با زندانیان سیاسی عرب و خاورمیانه ای را آلت دست قرار داده است. البته سوریه هم مخالفی با این عملیات ندارد. مسئول بلند پای "نایب" فلسطینی افزود: انگیزه های جمهوری اسلامی روشن است، اخراج نیروهای مخالف خمینی از فرانسه، بازگشت دو دانشجوی عراقی به فرانسه، که این دو درخواست تا حدودی برآورده شد، اما آزادی انیس نقاش، بازپرداخت وام یک میلیارد دلاری و قطع فروش سلاح به عراق هنوز انجام نگرفته است. اما همه کمک فرانسه به عراق پس از همد جمهوری اسلامی را خشمگین می سازد و عملیات تروریستی زمین چا ریندی می گیرد، حضور فرانسه در لبنان را نیز باید به عواجل نارضی کنننده جمهوری اسلامی افزود، مسئول سازمان آزادی بخش فلسطین ادامه کرد: اما این که چرا انیس نقاش در زندان، اعلام کرد که بد کلی از این ماجراها دور است و با کمیته همبستگی آشنا نشدند و مخالف عملیات تروریستی است، دلیل روشنی دارد، وی میدانند که در صورت خروج از زندان، مرکز در انتظار اوست و دوست نشا او را خواهد کشت، زیرا هیچ گاه اعتراضات او را پس از بازداشت شدنش نخواهند بخشید.

درخت اعدام!

بقیه از صفحه ۱

ما درم نقل می کرد که وقتی پدرم به خانه بازگشت رنگ بر چهره نداشت. حالت قیافه اش بکلی عوض شده بسود. بی آنکه کلمه بی حرف بزند خودش را به اتاق خواب رسانید و روی تخت دراز کشید. پس از آن، ناگهان شروع کرد به لرزیدن. آنچه در آن صبحگاه پدرم دیده بودم مثل کابوس هولناکی برای مدت ها اعصابش را بهم ریخت و بر اعماق روحش اثر گذاشت. او دیگر به کودکانی که در کنار پدرم در آن سلاخی شده بودند فکرمی کرد. تصویري که از مراسم اعدام در ذهنش نقش بسته بود قدرت فکر کردن به هر چیزی دیگری را از او سلب می کرد و هر چه می گوید نمی توانست این تصویر هولناک را از ذهنش بیرون کند...



ازضا غذایی جرب و شیرین محبت کند. در ایران امروز، از درود بوارخون می بارد و جان آدمیزاد بی بهاترین است. مگر انسان عقلش را از دست داده باشد که در همچواحوالی از لزوم یا عدم لزوم مجازات اعدام حرف بزند. اگر حرفی هست بر سر اینست که چگونه حکومت مدعی مسلمانان، برای زهرچشم گرفتن از مردم متوسل به روش هایی می شود که قبایل جنگلی هم در عصر حاضر از شنیدنش احساس شرم و اشمنازمی کنند. بازداشت به نفعی که با آن وضع فجیع اعدام شده، کمتر از یک هفته بعد از انفجار رقم صورت گرفت. به عبارت دقیق تر، جزشنا سایی و بازداشت، سه نقره عنوان عاملان بمب گذاری، فقط چهار روز بعد از حادثه انفجار اعلام شد. هر آدم کودکی، حتی در سطح زنجیر زن های حزب اللهی می تواند بفهمد که شناختن و پیدا کردن و گرفتن عاملان بمب گذاری بدین سرعت و بدین صورت دروغی بیش نیست. به ویژه وقتی می بیند در حکم ما دره، آن ها را عامل بمب گذاری های متعدد در نقاط مختلف شهرستان از سال ۱۳۵۸ به این طرف معرفی کرده اند.

نویسنده ای به توانائی آلبرکا مو لازم است تا بتواند درباره مراسم اعدام به ایرانی که در روز روشن و جلوی چشم جمعیتی انبوه در شهر قم انجام گرفت قلمفرسایی کند.

این سه تن را دستگاه قضائی حکومت آخوندها با ملان بمب گذاری و انفجار روز عید قربان در شهر قم معرفی کرده است و قبلاً "قرار بود آن ها را با تشریفات هیجان انگیزتری اعدام کنند یعنی ابتدا بعنوان قصاب چشم هایشان را از حقه بیرون بکشند، گوش و زبان شان را ببرند، دست و پای شان را قطع کنند و بعد، دارشان بزنند. ولی در آخرین ساعات تغییر رأی دادند و به همین اکتفا کردند که روی بلی در سه راه موزه آنان را از شیر چراغ برق بیاورند.

این ابتکار هم بحاظر آن بود که جمعیت بیشتری در فضای وسیع طرفین پل بتوانند تماشاگر مراسم شوند.

نمی خواهیم وارد این بحث شویم که مجازات اعدام بطور کلی مفید است و ضرورت دارد یا به قول انجمنی مثل آلبرکا مو، نفس اعدام جنابتی محدد محسوب می شود. این بحث را در شرایط امروزی ایران مطرح کردن مثل آنست که انسان برای گیرنده های "تیا فسرا"

مرتب در اختیار فرانسه قرار می دهیم این دیگر بسته به سیاست دولت فرانسه است که افکار عمومی را در جریان قرار دهد.

خبرگزاری فرانسه - ۱۰ اکتبر ۸۶

روش های ویژه

حایان تروریسم

شیمون پرنزخت وزیر سابق اسرائیل در سفر اخیرش به پاریس سه رژیم لیبرالی، سوریه و جمهوری اسلامی را مسئول های اصلی تروریسم بین المللی دانست. وی در یک گفتگوی اختتامی با روزنامه ی فنگارو گفت:

شهر را عملاً "به یک دژ نظامی تبدیل کرده است، ضربه سختی بر پیکر رژیم محسوب می شد. لاید این حادثه خشم مقام رهبری را نسبت به مسئولان امور امنیتی برانگیخته و او امر مطاع مبارک صادر شده است که باید سه روزه مرتکبین پیدا شوند. آن ها هم سه نفر را که دم دست داشته اند به عنوان عامل انفجار قم، بلکه عامل انفجارهای چند ساله تهران معرفی کردند و در محاکم آنچنانی، برق آسا حکم اعدام شان را نوشتند و محض ایجاد ارباب، جلوی چشم هزاران نفر در وسط شهر اعدام آنرا نوشتند.

رژیمی که با زور برجهل میلیون مردم نارضی و خشمگین حکومت می کند از توسل به خونت و ارباب گیری ندارد ولی یک نکته را این رژیم، ما نمانند همه حکومت های استبدادی نمی تواند بفهمد که از شقاوت، شقاوت میزاید. هر چه مردم، بخصوص جوان ها نوجوانان بیشتر در معرض شقاوت قرار گیرند و شمشیرهای شقاوت آمیز ما شده کنند، به همان اندازه روح شقاوت در آن ها تقویت می شود و چا معی که تب شقاوت بر جان ش بیفتد هیچ گاه روی امنیت بخود نمی بیند.

جنگ ویتنام تمام شد. دهها هزار جوان امریکائی هم که در جریان این جنگ بخاک هلاکت افتادند تقریباً "فراموشی شدند ولی آمریکا با امریکائی هایی که از ویتنام بازگشته اند در سرهای تمام شدنی دارد. کثیری از جوان های امریکائی که به ویتنام رفته بودند تبادل روحی و عصبی خود را از دست داده اند. بسیاری از آن ها برای آنکه خودشان و رنج هایشان را تسکین دهند به مواد مخدر روی آورده اند و گروهی دیگر به موجوداتی خشن، عاصی، بی رحم، بی احساس، نجا و طلب تبدیل شده اند که به انواع کارهای غیر انسانی و بی آلوده اند. خدایمان وقتی اوضاع کنونی در ایران با بان بگیرد تکلیف جامعه با کسانی که درین دوران سیاه، تعادل روانی و عاطفی و اخلاقی خود را از دست داده اند و به جای هردانشی نوت و فن استفاده از سلاح های مختلف و ساختن بمب و نارنجک و شرکت در عملیات کماندویی و تهاجمی را آموخته اند چه خواهد بود.

تروریستی جمهوری اسلامی در لبنان، از طریق گروه حزب الله انجام می گیرد. لیستی به اقدام های تروریستی کمک مالی می رساند، و سوریه از همه محتاطتر عمل می کند. بهرحال، هر یک روین خاص خود را دارند.

تلفن خبری
نهضت مقاومت ملی ایران - کانادا
شهر تورنتو ۴۱۶/۳۶۱۳۴۵۸

ایران هرگز نخواهد مرد

نشانی:
 QYAM IRAN
 C. O. C. B.
 17, bd RASPAIL
 75007 PARIS
 FRANCE